

دوشنبه 6 خرداد 1398 - 21 رمضان 1440 - 27 می 2019

درگذشت استاد "عبدالجواد ادیب نیشابوری" معروف به "ادیب اول" (1305 ش)



درگذشت استاد "عبدالجواد ادیب نیشابوری" معروف به "ادیب اول" (1305 ش)، عبدالجواد ادیب نیشابوری معروف به ادیب اول در حدود سال 1242 ش (1281 ق) در یکی از روستاهای اطراف نیشابور به دنیا آمد. وی در چهارسالگی بر اثر بیماری آبله نابینا گردید و پس از مداوای بسیار، اندکی از بینایی چشم چپ را به دست آورد. ادیب دارای حافظه و ای قوی بود و در اندک زمانی خواندن و نوشتن فارسی و عربی را آموخت. او در 16 سالگی عازم مشهد شد و درس خود را ادامه داد. کم کم به تدریس روی آورد و هر سال حوزه درسش رونق می‌یافت و شاگردان فاضلی در حلقه درسش پرورش یافتند. با این که بر اثر کم بینا بودن، مطالعه برایش بسیار سخت بود ولی او معلومات فراوانی را با مطالعه به دست آورد. ادیب علاوه بر فنون ادبی، در حکمت الهی و طبیعی، نجوم، حساب، جبر و هندسه و... مهارت داشت و از طب علمی، فقه، اصول، حدیث و رجال نیز بهره‌ر می‌یافت و افی داشت. دیوان اشعار ادیب به نام "لتالی مکنون" و نیز رساله‌ای در جمع بین عروض فارسی و عربی و شرح مغلقات سبعه از جمله آثار اوست. سرانجام این شاعر وارسته و مربی نمونه پس از چهل و سه سال تدریس، در ششم خرداد 1305 ش برابر با پانزدهم ذی قعدة سال 1344 ق در 64 سالگی دارفانی را وداع گفت و در حرم مطهر رضوی (ع) در مشهد مقدس مدفون گردید.

وفات "موسی بن عمران" و "نوشع بن نون (ع)" ده سده بزرگ الهی
یوشع فرزند نون، نون از افرایم، افرایم فرزند یوسف، یوسف فرزند یعقوب، یعقوب فرزند اسحاق، اسحاق فرزند ابراهیم، ابراهیم فرزند تارح، تارح فرزند ناحور، ناحور از نسل سام، سام فرزند نوح، نوح از نسل خنوخ، خنوخ از نسل انوش، انوش فرزند شیت و شیت فرزند آدم می باشد. محل تولد و زندگی: احتمالاً متولد شده در جوشن مصر- سرزمین کنعان (اسرائیل فعلی) - جلجال - شکیم زمان حیات: حدوداً بین سالهای 1490 تا سال 1380 قبل از میلاد عیسی مسیح
***** حضرت موسی (ع) - ادوار نبوت: دوره چهارم نبوت لقب: کلیم ا...
معنای اسم: از آب کشیده شده پدر: عمران مادر: یوکابد تاریخ ولادت: ۲۷۴۸ سال بعد از هبوت آدم. مدت عمر: ۱۲۰ سال بعثت: آن حضرت با برادرش هارون برای بنی اسرائیل مبعوث شد. محل دفن: بروایتی در شش فرسنگی بیت المقدس مدفون است. نسب: موسی بن عمران بن قاهت بن لای بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم (ع) تعداد فرزندان: آن حضرت آپسر داشت. مختصری بر زندگینامه: حضرت موسی از پیامبران اولوالعزم است، که در شهر منفیس و در زمان سلطنت رامسس دوم متولد گردید. تولد او در زمانی اتفاق افتاد، که فرعون نوزادان پسر بنی اسرائیل را معدوم می کرد به همین خاطر مادر حضرت موسی تا سه ماه او را به طور مخفیانه نگهداری نمود و بعد او را در صندوقی گذاشته، در رود نیل رها ساخت. از قضا آسیه زن فرعون آن حضرت را از آب گرفت و از او نگهداری نمود. موسی در قصر فرعون بزرگ شد و سرانجام، روزی خداوند او را به رهبری قوم یهود برگزید. حضرت موسی و برادرش هارون، جهت نجات بنی اسرائیل از جرم فرعون به مصر آمدند و او را به خدا پرستی دعوت نمودند. ولی فرعون با وجود معجزاتی که از موسی دید او را انکار کرد تا عاقبت همراه با لشکریانش در رود نیل هلاک شد.

شمارات مظلومانه: rlm& ی حضرت ام المومنین، امام علی (ع)، که ۴۰ (۴۰ ق)، پس از ضرب خوردن امام علی (ع) در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان توسط ابن ملجم مرادی از بازماندگان خوارج نهروان، درمان آن زخم تأثیری نبخشید و نوید پیامبر به امام به این که محاسن سفید حضرت به خون سرش رنگین می‌گردد، تحقق یافت. شهادت آن امام پس از سی سال امامت و چهار سال و نه ماه خلافت صورت گرفت. بدن مطهر امام علی (ع) را شبانه در محلی به نام نجف دفن کردند و این مکان، تا نزدیک به یکصد و پنجاه سال، از عموم مخفی بود و تنها برخی از شیعیان خاص از محل دفن امام آگاهی داشتند. امام علی (ع) در طول حیات پربرت خویش در جنگ‌های صدر اسلام شرکت کرد و بزرگان مشرک عرب را به خاک مذلت کشاند. آن حضرت پس از رحلت پیامبر اسلام به خاطر مصالح مسلمانان به مدت بیست و پنج سال خانه‌نشینی گزید و سکوت اختیار کرد. با قتل سومین خلیفه، مردم، امام را به خلافت برگزیده و در آن دوران پر آشوب نیز سه جنگ جمل، صفین و نهروان از جانب ناکثین (پیمان شکنان) قاسطین (معاویه و مردم شام) و مارقین (خوارج و خارج شدگان از دین) بر امام علی (ع) تحمیل شد. فضایل امام علی (ع) فوق آن است که در این مختصر بگنجد و در اینجا تنها به دو سخن درباره rlm& ی آن حضرت بسنده می‌کنیم. ناظم نیشابوری درباره rlm& ی آن امام بزرگ گفته است که: علی بن ابی‌طالب، برگزیده و نویسنده، محتنی گران و باری سنگین است که اگر بخواهد حقش را ادا کند به کفر و گزافه rlm& گوئی دچار گردد و اگر کوتاه آید، خیانت و جفا نموده باشد و حد وسط در فضایل او آن قدر دقیق و باریک است که جز یک اندیشمند ماهر و حاذق از عهده rlm& اش نیز برنیاید. هم rlm& چنین ابن ابی‌الحدید معتزلی، شارح نهج rlm& البلاغه گوید: فضایل علی (ع) در آن حد از عظمت است که نویسندگان و گوینده در برابر آن، خود را ضعیف و زبون و شرمسار می‌بیند که درصدد تفصیل آن برآید. دشمنان هرچه کوشیدند که نور عظمتش را فرو نشانند، فضایل آن حضرت بیشتر شایع گشت.

درگذشت "رابرت گچ" باکتری‌شناس، معروف آلمانی، که کاشف عامی سل (1910م) رابرت گچ باکتری‌شناس و پزشک برجسته آلمانی در 11 دسامبر 1843م در شهر هارتز آلمان به دنیا آمد. وی پس از پایان تحصیلات خود در رشته پزشکی، مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای را درباره علل برخی از بیماری‌ها و هم‌چون وبا، سل و سیاه زخم آغاز کرد. گچ پس از تکمیل روش کشت میکروب‌ها، آن‌ها را به وسیله رنگ کردن در زیر میکروسکوپ مشاهده کرد و پی برد که باسیل‌ها؛ های بسیار کوچکی در خون گوسفند یا حیوان مریض وجود دارد. گچ عاقبت توانست با پرورش و نگهداری این باسیل، نظریه خویش را اثبات نموده و سرم این مرض را بسازد. این عمل باعث شد که از تلفات زیاده از حد احشام جلوگیری شود. گچ در سال 1880م به عضویت شورای سلطنتی بهداشت برلین انتخاب گردید و از آن پس تحقیقات خود را برای کشف میکروب سل که از دیرباز به طاعون سفید مشهور بود، آغاز کرد. این مطالعات در نهایت منجر به کشف میکروب سل در 24 مارس 1882م شد و گچ پس از چندی اعلام کرد که می‌توان همه جانداران را در اثر تلقیح این سرم از امراض مختلف مصون داشت. در سال 1905، گچ به دلیل تلاش در راه گسترش علم و کشف باسیل سل، موفق به اخذ جایزه نوبل پزشکی شد و دانشمندان زمان، پس از تایید نظرات او، وی را در شمار بزرگ‌ترین مکتشفین قرار دادند. گچ سفرهای زیادی به آفریقا برای تحقیق درباره مرض خواب، مالاریا و طاعون انجام داد و دریافت که مرض خواب که هزاران آفریقایی را به کام مرگ کشانده بود، در اثر نیش پشه‌ای به نام تسمه تسمه است. به تدریج گچ در اثر فعالیت زیاد و ناراحتی‌های ناشی از آن مریض و ضعیف گردید، تا این‌که کاشف سل که خود نجات دهنده جان میلیون‌ها انسان بود در 27 مه 1910م در 67 سالگی بر اثر مرض سل درگذشت. رابرت گچ بدون شک بعد از لویی پاستور کاشف پنی‌سیلین، بزرگ‌ترین میکروب‌شناس دنیا است و خدمات ارزنده او در راه بسط علم، هیچ‌گاه از یادها نخواهد رفت.

درگذشت "جواهر لعل نهرو" سیاست‌مدار، برجسته و اهل، نخست‌وزیر هند (1964م) جواهر لعل نهرو، سیاستمدار استقلال‌طلب و اولین نخست‌وزیر هند، در 14 نوامبر سال 1889م در الله‌آباد هند به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات خود در رشته حقوق دانشگاه کمبریج انگلستان، به قضاوت در هند مشغول شد. نهرو در سال 1918م به پارلمان هند راه یافت و در 1929م به ریاست پارلمان رسید. او در 1920 در نهضتی که به رهبری مهاتما گاندی با هدف آزادی هند از سلطه سیاسی انگلستان به راه افتاد شرکت کرد و با نهضت‌های ملی همراهی نمود. نهرو در طول مبارزات ضداستعماری خویش 10 بار دستگیر و زندانی شد و روی هم رفته، در حدود سیزده سال از عمر خود را در زندان گذراند. نهرو در سال‌های زندان هم بیکار ننشست و به نگارش کتب مختلفی پرداخت. نهرو در همین سال‌ها، طی مسافرتش به مسکو تحت تاثیر مارکسیسم قرار گرفت و بعضی از روش‌های مبارزه کمونیست‌ها را در هند به کار بست. البته مهاتما گاندی که مبتکر اصل مبارزه منفی بود، غالباً با نظریات نهرو درباره شدت عمل و تحرك بیشتر در مبارزه مخالفت می‌کرد. نهرو نیز که از نفوذ کلام گاندی در میان مردم هند آگاه بود و در عین حال احترام عمیقی نسبت به او داشت، روش‌های خود را در مبارزه تعدیل می‌نمود. جواهر لعل نهرو پس از استقلال هند، به عنوان اولین نخست‌وزیر این کشور انتخاب شد و تا زمان مرگ، به مدت هفده سال، رهبری بلامنازع هند را برعهده داشت. نهرو در این مدت در صحنه سیاست بین‌المللی نیز درخشید و همواره به عنوان يك شخصیت برجسته و صلح‌دوست مورد احترام مجامع جهانی بود. وی بنیادهای سیاسی - اقتصادی هند را پایه‌گذاری کرد و از يك کشور استعمارزده و بلادیده و دستخوش تفرقه، قدرت یکپارچه‌ای را در جنوب آسیا پدید آورد. کار مثبت عمده نهرو برای هند، اصرار وی بر این امر بود که هند به صورت يك دموکراسی غیرمنفک از آرمان‌های دنیایی و غیردینی باقی بماند. وی با گذراندن قانونی، نظام طبقه در هند را برانداخت و کارهایی که برای از بین بردن فقر و عقب‌ماندگی انجام داد، سبب ایجاد انقلاب اساسی اجتماعی و اقتصادی شد. نهرو از قهرمانان استقلال هند و از رهبران متفکر مبارزات مردمی این کشور طی سال‌های استقلال به شمار می‌رود. او هم‌چنین به اتفاق جمال عبدالناصر و ژوزف تیتو و احمد سوکارنو رهبران وقت مصر، یوگسلاوی و اندونزی از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد به شمار می‌رود و حیثیتی بین‌المللی دارند. جواهر لعل نهرو در ژانویه 1964م دچار حمله قلبی شد و نیمی از بدنش فلج گردید تا این‌که سرانجام در بیست و هفت مه 1964م در هفتاد و پنج سالگی درگذشت.